

# عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته  
توسط ربای ساکس

"من باور دارم" - تفسیرهای تورات از ربای لرد جاناتان ساکس در سال ۵۷۸۰

پاراشای هفته: ناسو ۵۷۸۰

برکت عشق

Rabbi Lord Jonathan Sacks

The Blessing of Love

Naso 5780

باید اعتراف کنم که هر بار با خواندن این کلمات، دچار لرز هیجان می شوم:

به اهرون و پسرانش بگو این گونه بنی اسرائیل را برکت کن. به آنها بگو:

خداوند تورا برکت دهد و حفاظت کند.

باشد که خداوند نور خود را به تو بنمایاند و به تو مرحمت کند.

باشد که خداوند به توی روی نماید و به تو صلح ارزانی دارد.

باشد که نامم را روی بنی اسرائیل بگذارند و من آنها را برکت خواهم کرد. (اعداد

۲۷-۲۶:۶)

اینها قدیمی ترین جمله های دعای برکت هستند که از آن زمان تا کنون پیوسته به کار رفته اند. ما آنها را روزانه در ابتدای دعای صبحگاهی می خوانیم. برخی، آنها را در پایان دعای شامگاهی می خوانند. شب های جمعه این دعا را برای برکت کردن فرزندانمان می خوانیم. برای برکت دادن به عروس و داماد در جشن عروسی خوانده می شوند. غیریهودیان نیز بسیار از آن استفاده می کنند. سادگی و ساختار سه، پنج و هفت واژگانی و حرکت اوج گیرنده آنها از مرحمت به سوی صلح، همگی از این دعا جواهری می سازند که درخشش آن از زمان نگارش در سه هزار سال پیش تا کنون، کاهش نیافته است.

در سال های پیش، پیرامون معنای این برکت ها نوشته ام. این بار سه پرسش متفاوت به میان می آورم:

نخست: چرا کاهنان و نه انبیاء، پادشاهان، حکیمان یا صدیقان؟

چرا شکل یگانه *birkat ha-mitzvah* یا دعای برکت کاهنان بر محور انجام دستور برکت کردن مردم شکل گرفته؟ متن آن چنین است: "که به سبب تقدس اهرون ما را تقدیس کرده و به ما دستور داده تا قوم او را با عشق برکت کنیم."<sup>1</sup> هیچ برکت دیگری که مربوط به انجام یک دستور باشد، با عشق همراه نشده است.

جدلی در تلمود هست بر این مبنا که آیا دستورها باید با نیت خالص یا *kavvanah* انجام شوند یا انجام خود عمل کافی است؟ اما نیت با انگیزه فرق دارد. نیت فقط به این معنا است که من دستور را به دلیل دستور بودن انجام می دهم. من آگاهانه و دانسته و آزادانه در جهت خواست الهی رفتار می کنم. نیت، کاری با عاطفه ای همچون عشق ندارد. اما چرا این دستور و نه دستور دیگر، مشروط به عشق است؟

---

<sup>1</sup> Sotah 39a.

سوم: اصلاً چرا انسان‌ها باید مردم را برکت کنند؟ این خدا است که بشریت و قوم خود اسرائیل را برکت می‌کند. او به هیچ واسطه‌ای انسانی نیاز ندارد. پادشاه ما همین را می‌گوید: "باشد که آنها نام مرا روی اسرائیل بگذارند و من آنها را برکت خواهم کرد." برکت‌ها نه از سوی کوهن‌ها که از سوی خدا می‌آید. پس چرا لازم است که کوهن‌ها "نام او را روی مردم بگذارند"؟

*Sefer ha-Hinnuch*<sup>2</sup> در پاسخ به پرسش نخست می‌گوید فقط به این خاطر که کوهن‌ها مقدس‌ترین گروه در میان قوم بودند. آنها خانه‌ی خدا را اداره و زندگی خود را وقف خدمت به خدا می‌کردند. خدمت سراسر زندگی آنها با تقدس سر و کار داشت. مکان زندگی آنها نیز چنین بود و نگهبانان حریم معبد بودند. بنابراین، آنها گزینه‌ی آشکار برای اجرای آیین سرازیر شدن برکت‌های خدا بر مردم بودند.

ربای اهرون والکین در پیشگفتار خود به *Matsa Aharon* توضیح مفصلتری می‌دهد. کوهن‌ها هیچ سهمی از زمین نداشتند. تنها درآمد آنها از *mattenot kehunah* یا هدیه‌های کوهنیم که از طرف همه‌ی مردم تامین می‌شد. نتیجه این شد که آنها در برکت یافتن مردم منفعت داشتند، زیرا در آن صورت، خود نیز برکت می‌یافتند. آنها مردم را از ته دل برکت می‌کردند و خواهان خیر و برکت آنها بودند تا خود نیز بهره‌مند شوند.

ربای اوراهام گانفنی توضیح سوم می‌دهد:<sup>3</sup> می‌خوانیم که در آیین تقدیس محراب "اهرون دست‌های خود را به سوی مردم دراز می‌کرد و آنها را برکت می‌نمود" (لاویان ۹:۲۲). راشی می‌گوید دعای برکتی که به آن مناسبت برای مردم خوانده می‌شد، در واقع، همان برکت کوهن‌ها در پادشاهی این هفته بوده است.

---

<sup>2</sup> Section 378.

<sup>3</sup> R. Avraham Ganfi, *Be-Inyan Birkat Cohanim, Zakhor le\_Avraham*, 1996, 523-531.

اما رامبام می گوید که شاید برکت اهرون خودجوش بوده، ولی از این رو که چنان سخاوت روحانی از خود نشان داده، خداوند به او پاداش داده تا فرزندان او برکت کننده اسرائیل باشند.

پس اشاره به برکت عشق به چه دلیل است؟ دو تفسیر متفاوت وجود دارد: اشاره به کوهن ها و اشاره به خدا. تفسیر دوم، نظم کلمات دعای برکت را سر و ته می کند و آنرا نمی خواند " که به ما دستور داد قوم او را با عشق برکت کنیم"، بلکه می خواند: "که از سر عشق به ما دستور داد تا قوم او را برکت کنیم." یعنی دعای برکت از عشق خداوند می گوید و نه از عشق کوهن ها. چون خدا قوم خود را دوست دارد، به کوهن ها دستور می دهد که آنها را برکت کنند.<sup>4</sup>

خوانش اول از نظر دستور زبان معتبرتر است، یعنی کوهن ها باید عشق داشته باشند. این جان کلام کتاب زوهر است: "کوهنی که مردم را دوست نداشته باشد، یا کوهنی که مردم او را دوست نداشته باشند، نباید دعای برکت بگوید".<sup>5</sup>

ما فقط چیزی را که دوست داریم می توانیم برکت کنیم. گفته اسحق را در زمان کهنسالی و نابینایی به عساو به یاد بیاورید: "برای من غذای خوشمزه ای که دوست دارم بپز و بیار تا بخورم تا پیش از مرگم تو را برکت گویم" (پیدایش ۲۷:۴). خواه به خاطر غذای مورد علاقه یعقوب بود یا آنچه غذا در مورد شخصیت عساو نمایان می کرد - اینکه آنقدر به پدرش علاقه داشت که غذای مورد علاقه اش را درست کند - اسحق به حضور عشق نیاز داشت تا بتواند برکت کند.

<sup>4</sup> Rabbi Yerucham Perla, commentary to R Saadia Gaon, *Sefer Mitzvot Gadol*, 16.

<sup>5</sup> Zohar III, 147b; see *Magen Avraham*, 128: 18.

پس چرا دعای برکت برای این میصوا و نه هیچ میصوای دیگری حضور عشق را الزامی می داند؟ زیرا در همه موارد دیگر، خود فرد، عامل اجرای *ma'aseh mitzvah* یا عمل مربوط به دستور است. فقط در مورد برکت های کوهن، شخص کوهن نقش *machshir mitzvah* یا واسطه فعال کننده را دارد و نه انجام دهنده میصوا. انجام دهنده خدا است: "باشد که نام مرا بر فرزندان اسرائیل بگذارند و من آنها را برکت خواهم کرد." کوهنیم تنها مجرای هستند که برکت های خدا به وساطت آنها جریان می یابد.

این یعنی کوهنیم باید هنگام بیان دعای برکت، خالی از خودخواهی باشند. ما به همان نسبتی که خود را فراموش کنیم و دیگران را در نظر داشته باشیم، نیروی خدا را به جهان و به سوی خود فرامی خوانیم.<sup>6</sup> عشق این گونه است. این را در پاراشایی می بینیم که یعقوب عاشق را خل شده و با شرایط لاوان برای هفت سال کار موافقت می کند. می خوانیم: "پس یعقوب هفت سال برای گرفتن راخل کار کرد، اما آن سال ها به خاطر عشق راخل مانند چند روز بر او گذشتند (پیدایش ۲۹:۲۰). تفسیرگران، پرسش روشنی به میان می آورند: اتفاقا چون او به شدت عاشق راخل بود، هفت سال باید بر او همچون هفت قرن می گذشت. پاسخ، همان قدر روشن است: او به راخل فکر می کرد و نه به خودش. در عشق او هیچ عنصر خودپرستانه ای وجود نداشت. او بر حضور راخل متمرکز بود و نه بر میل بیصبرانه خودش.

اما شاید تفسیر جایگزینی برای همه اینها وجود داشته باشد. همان گونه که در بخش کیدوشیم بیان کردم، این کوهن بود که به مردم، اخلاق خاص مقدس بودن را می آموخت (برخلاف اخلاق عدالت مدار انبیاء و اخلاق استوار بر شخصیت انسانی و پیامدهای اعمال فردی).

---

<sup>6</sup> سوتا ۵ الف: "هر کس که درون خود تکبر دارد، خداوند متعال در مورد او می گوید: او و من با هم نمی توانیم ساکن دنیا باشیم."

متن کلیدی اخلاق تقدس، لاویان ۱۹ است: "برای من مقدس باش، زیرا من، خداوند، خدای تو، مقدس هستم". این فصل دو دستور مهم عشق میان انسان ها، از جمله همسایه و غریب را آموزش می دهد. اخلاق مقدس بودن که آموزهء کوهن ها بود، اخلاق عشق است. این اخلاق، نتیجهء دیدگاه خاص کوهنیم است که در پیدایش ۱ جهان را کار خدا و انسان را آفریده شده به تصویر و شباهت با خدا می داند. خود وجود ما و هستی جهان، حاصل عشق خداوند است.

صداهای انبیاء و مکتب خردگرای یهود بر پایه های دیگری استوار هستند. انبیاء بر تاریخ و به ویژه خروج از مصر تمرکز دارند و دیدگاه خردگرا بر مشاهدهء چگونگی کارکرد جهان. کوهنیم با برکت کردن مردم به آنها نشان دادند که عشق به هممنوع چه معنایی دارد. چنین است تعریف رامبام از چگونگی اجرای دستور "همسایه ات را مانند خودت دوست بدار":

" فرد باید با رعایت حرمت همسایه سخن بگوید، همان گونه که خواهان حفظ حرمت خود است و باید همان گونه که مراقب پول خودش است، مراقب پول او باشد.<sup>7</sup>

برکت کردن مردم نشان داد که باید خیر مردم را بخواهیم و خواستن خیر دیگری یعنی دوست داشتن او.

پس کوهنیم با این نمایش عشق در دیدگان همگان، سرمشقی برای مردم به جا گذاشتند که امروز آنرا "خیر عمومی" می نامیم. به این ترتیب آنها جامعه ای را تبلیغ کردند که در آن هر کس به فکر رفاه همگان باشد. چنین جامعه ای برکت می یابد، زیرا پیوند میان اعضای آن نیرومند است و مردم، منافع ملت همچون یک کل را مقدم بر امتیاز فردی خود می دانند.

---

<sup>7</sup> Rambam, Hilchot Deot 6:3.

چنین جامعه ای از سوی خداوند برکت می یابد، زیرا جامعه ای مرکب از افراد خودپرست نمی تواند برکت خدا را دریافت کند و شایسته آن نمی شود. هیچ گاه جامعه ای مرکب از افراد خودپرست، ماندگار نبوده است.

پس پاسخ ما به پرسش "چرا کوهنیم؟" چنین خواهد بود: زیرا اخلاق آنها استوار بر عشق به همسایه و فرد غریب بود و ما برای آنکه قادر به برکت کردن باشیم، ابتدا باید عشق بورزیم. به این دلیل در دعای برکت میصوا به عشق اشاره می شود که برکت ها از راه عشق به دنیا فراخوانده می شوند. اما چرا انسان ها باید برکت کنند و نه خدا؟ زیرا کوهنیم باید سرمشق مشارکت در بهروزی دیگران باشند. **من باور دارم که برکت کوهنیم، پیام مهمی برای امروز ما دارد: جامعه ای که اعضای آن خواهان بهروزی یکدیگر هستند، مقدس است و برکت می یابد.**

شبات شالوم

Jonathan Sacks

The Office of Rabbi Sacks

برای دیدن آثار رای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - [www.rabbisacks.org](http://www.rabbisacks.org)  
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر رای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

\*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط  
شیریندخت دقیقیان Persian Translation by Shirin D. Daghighian